

بررسی و تحلیل نظام حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۶/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۰/۱۰)

دکتر امیرحسین سلیمان فلاح^۱

پژوهشگر برگزیده و دارنده تندیس پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار در سال ۱۴۰۲

چکیده

در دنیایی که روز به روز در حال تحول و دگرگونی است و هر روز با رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبروست، کسب درآمد از اساسی ترین لوازم زندگی است. امروزه مالکیت های فکری، یکی از راه های کسب درآمد است و پدید آورندگان در صدد خلق آثار بوده، البته نه فقط به دلیل بهره های اقتصادی که از آن ناشی می شود، ولی اهمیت این جنبه از حق پدید آورنده قابل اغماض نمی باشد. یکی از مهم ترین سازمان های بین المللی در حوزه مالکیت فکری، سازمان جهانی مالکیت فکری «WIPO» است. این سازمان، بر اساس کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری، مصوب چهاردهم جولای ۱۹۶۷ میلادی در اجلاس استکهلم (بازبینی و اصلاح در تاریخ ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۷۹)، آغاز به کار کرد. در این رابطه باید توجه داشت سازمان جهانی مالکیت فکری، دارای دو رکن اصلی، «مالکیت صنعتی» (پتنت، نشان های تجاری و طراحی های صنعتی) و «کپی رایت» (آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و زمینه های صوتی و تصویری) است. سازمان جهانی مالکیت فکری، در معرفی خود می گوید: «وایپو یک انجمن سیاستی جهانی است که در آن، دولت ها، سازمان های بین دولتی، گروه های صنعتی و جامعه مدنی، گرد هم آمده اند تا مسائل مرتبط با مالکیت فکری را حل کنند. با این تفاسیر در مقاله حاضر قصد داریم به بررسی و تحلیل نظام حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی است و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از روش کتابخانه ای می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، حقوق معنوی، حق التألیف، سازمان تجارت جهانی

بخش اول: بررسی و شناخت حقوق معنوی و مالکیت فکری

در تعریف از حقوق معنوی می‌توان گفت امتیازی است غیرمادی و قانونی خارج از حقوق بر اعیان و منافع اعیان. در این تعریف سعی بر آن شده است که حقوق پدیدآورنده به حقوق شخصیت نزدیک شود. به این دلیل که حق انسان را بر نام خانوادگی اش که از مصادیق حقوق شخصیت است، از مصادیق حقوق معنوی به شمار می‌آورد. از ویژگی‌های بارز حقوق شخصیت انتقال‌پذیری آن است. حق پدیدآورنده پیش از همه چنین معنایی را بر نمی‌تابد زیرا هیچ‌گاه در حق پدیدآورنده میان رابطه‌ی خالق و مخلوق و پدیدآورنده و پدیده، فاصله‌ای نمی‌افتد، همانگونه که در رابطه ابوت نیز چنین است. (موسوی و حسینی‌نیک، ۱۳۸۷، ۲۵) پس نمی‌توان این استدلال را پذیرفت که حق معنوی پدیدآورنده در زمره حقوق شخصیت است. حق معنوی پدیدآورنده از دید فقها انتقال‌ناپذیر است و در حصار زمان و مکان مقید نمی‌باشد. بر اساس «ماده‌ی چهارم قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان قانون حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است». مفاد این ماده کاملاً منطبق با معنای فقهی استنباط شده از حق معنوی است. برخی از نویسندگان اعتقاد دارند که در این ماده تناقض‌گویی وجود دارد زیرا رابطه‌ی دائمی بودن و واگذارناشدنی بودن حق را در بر نمی‌گیرد و عقیده دارند پس از مرگ پدیدآورنده، موضوع حق مؤلف چه خواهد شد؟ همین مهم که بشر بر اساس فطرت و خلقت خویش، همانگونه که سرمایه‌های مادی را ارج می‌نهد، سرمایه‌های معنوی را هم پذیرفته و به رسمیت می‌شناسد. در مقابل، مالکیت فکری^۱ به مالکیت‌های ناشی از فعالیت‌ها و تراوشات فکری در زمینه‌های صنعتی، تجاری، علمی، ادبی و هنری گفته می‌شود. (امانی، ۱۳۸۳، ۲۴) به عبارت دیگر مالکیت‌های فکری به خلاقیت‌های ذهنی اشاره دارد از قبیل اختراعات، آثار ادبی و هنری و نشان‌ها، نام‌ها و اشکال و تصاویری که در تجارت به کار می‌روند. (طالقانی و حسن‌زاده، ۱۳۸۹، ۱۶). مالکیت‌های فکری دارای گستره‌ی وسیعی است و در صورتی که تراوشات ذهنی افراد دارای ارزش مالی باشد و یا بالقوه قابلیت ارزش‌گذاری تجاری داشته باشد منشاء ایجاد حق می‌شود. حقی که از پدیدآورنده در برابر استفاده‌های سوء و ناروا از آن اثر فکری، دفاع می‌کند. حقوق مالکیت فکری مانند هر حق دیگری، اجازه بهره‌برداری از اثر یا سرمایه‌گذاری در مورد آن را به

^۱. Intellectual Property

پدیدآورنده یا مالک اختراع به ثبت رسیده، علائم تجاری و حق مؤلف، ارزانی می‌دارد. به عبارت روشن‌تر حقوق مالکیت فکری، از راه اعطاء حقوقی مشخص و محدود به زمان معین، از تولیدکنندگان این آثار، جهت کنترل نحوه استفاده از کالاها و خدمات فکری، حمایت به عمل می‌آورد. (امانی، ۱۳۸۷، ۲۵) این حقوق، حقوقی هستند که در عین فقدان عینیت و مادیت، دارای مالیت و ارزش بوده و قابل حمایت‌اند. به عبارتی اندیشه و افکار همچون اشیاء با ادراکات حسی قابل لمس نیستند، بلکه در واقع حمایت از تراوشات ذهنی‌ای است که صاحب اثر خلق کرده است، از این رو حقوق مذکور را، حقوق مالکیت فکری نامیده‌اند. (باقی، ۱۳۸۴، ۱۶) کشور ایران در حوزه مالکیت صنعتی، دارای پیشرفت چشمگیری بوده و در حال حاضر در وضعیت مناسبی از نظر حمایت داخلی و بین‌المللی به سر می‌برد، به همین دلیل این نوشتار بیشتر متمرکز بر شاخه حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌باشد و در صدد یافتن موانع و چالش‌های حقوقی در این حوزه از حقوق است که مانع عضویت در سازمان جهانی تجارت شده است. حقوق مالکیت‌های فکری دارای منابع متعددی است که هر کدام از آن‌ها قابل تأمل و تعمق بوده و باید به طور کامل به جوانب گوناگون آن پرداخت زیرا یکی از روش‌های ارزش‌بخشی و مستند نمودن این نوع از مالکیت‌ها، جستجو نمودن آن‌ها در بین قوانین و اسناد معتبر داخلی و بین‌المللی است. از این رو هر چه بیشتر بتوان جایگاه آن‌ها را در این اسناد و قوانین مبین نمود، این امر می‌تواند نشان‌دهنده‌ی توجه دولت‌ها در حوزه حقوق داخلی باشد. زیرا امروزه اهمیت و نقش مالکیت‌های فکری در پیشرفت روند توسعه پایدار و در حوزه‌های اقتصادی در اکثر جوامع به اثبات رسیده است و این نوع حقوق یکی از بهترین روش‌های کسب درآمد دولت‌ها است، لذا باید ردّ پای این نوع مالکیت‌ها و حقوق ناشی از آن، در قوانین داخلی هویدا باشد. همان‌گونه که رویدادهای بین‌المللی به اثبات رسانده است، این کشورهای فعال در عرصه بین‌المللی هستند که باعث شکل‌گیری کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی می‌شوند و یا با تشکیل کمیسیون‌ها در حوزه‌های گوناگون، منجر به تأسیس سازمان‌ها می‌شوند. دو سازمان در مقیاس بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت فکری فعالیت دارند که اسناد موجود در این سازمان‌ها یا به عبارت دیگر کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های تحت حمایت آن‌ها، می‌توانند از مصادیق بین‌المللی منابع مالکیت فکری باشند که این امر نشان از به رسمیت شناختن هر چه بیشتر این نوع حقوق در این عرصه‌ها دارد. از منابع داخلی مالکیت‌های فکری می‌توان به قوانین، عرف‌ها، رویه قضایی و دکترین اشاره نمود. از بعد

منابع بین المللی هم می توان به کنوانسیون ها و موافقتنامه های بین المللی اشاره نمود. در معاهدات و کنوانسیون ها، انواع حقوق پدیدآورنده مورد حمایت بین المللی قرار گرفته است و از آنجائی که اصول نامبرده در این معاهدات از قبیل اصل رفتار ملی و یا اصل عدم تشریفات و یا اصل دولت کامله الوداد در زمره اصول مهم و مؤثر در تنظیم روابط بین دولت های طرف معاهدات است، این امر نشان دهنده اهمیت این نوع حقوق بوده و منابع بین المللی را از نظر ارزش غنی تر می نماید. در وضعیت فعلی جامعه ی بین المللی، کنوانسیون های نامبرده و همین طور سازمان های بین المللی از جمله سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی مالکیت فکری بازیگران اصلی در این حوزه از علم حقوق می باشند. در واقع می توان گفت که این نهاد های بین المللی به نوعی بر کشورهای مختلف چیره شده اند و توانایی هدایت سیاست های اقتصادی آن ها را دارند. در صورتی که کشوری به عضویت این کنوانسیون ها و یا سازمان ها در آید، می تواند در سایه ی اصول حاکم بر آن ها از پیامد های سوء ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان جلوگیری به عمل آورد، در غیر این صورت باید شاهد نقض حقوق بوده و تلاش خود را به منظور پیوستن به آن ها روز افزون نماید.

بخش دوم: تحلیل و تفسیر حقوق مالکیت فکری از دیدگاه حقوقدانان

حقوقدانان در فرایند تعریف مالکیت های فکری بعضاً از تعاریف موجود در مواد قانونی بهره برده اند و در فراسوی این بهره مندی، ایرادات و نقایص قوانین را با تعاریف تازه تری بیان نموده اند، اما به طور کلی با توجه به بررسی های به عمل آمده می توان گفت که حقوقدانان کمتر به تعریف و یا یافتن تعریفی جدید از این نوع مالکیت ها پرداخته اند و بیشتر به نقل قول از سایر حقوقدانان البته با تغییراتی اندک در مفاهیم، بسنده نموده اند. در صورت ارائه تعریفی شایسته از مالکیت های فکری که منشاء ایجاد حق پدیدآورنده می گردد در واقع دو مانع حقوقی در این حوزه از سر راه برداشته می شود. نخست اینکه تعریفی جامع و مانع از مفهوم ارائه می گردد و در ثانی با توجه به این تعریف می توان مصادیق داخلی حق پدیدآورنده را هر چه بیشتر گسترش داد. تعریف مورد نظر فقط می تواند زائیده فکر و اندیشه حقوقدانان ایرانی باشد که به نوعی نماینده خالقان آثار در حوزه های ادبی و هنری هستند. حقوقدانان ایرانی که در ادامه به شرح تعاریف آن ها از مالکیت های فکری خواهیم پرداخت، عموماً تعاریف خود را منطبق با مفاهیم مواد قانونی مرتبط با این حوزه بیان می دارند. چه بهتر که این فرایند روندی متقابل و یا به عبارت روشن تر متفاوت به خود گیرد. به عبارت دیگر حقوقدانان دست به خلق

تعاریفی تازه که دارای جامعیت و مانعیت باشند، بزنند و این تعاریف را از طریق مقالات و کتب حقوقی خود به دنیای حقوق عرضه دارند تا در صورت تدوین قوانین جدید در حوزه مالکیت‌های فکری، قانونگذاران از این مفاهیم بهره برده و اقدام به قانونگذاری نمایند. اسداله امامی نویسنده کتاب «حقوق مالکیت معنوی» معتقد است قانونگذاران ایران تعریف جامعی از اثر یا آفرینه‌ی فکری یا مخلوق ذهن ارائه ننموده اند. در ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ چنین آمده است: «... به آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار... پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته "اثر" اطلاق می‌شود.» اگر آنچه در ماده مذکور بیان شده است، تعریف اثر تلقی گردد، این تعریف فاقد اشکال است زیرا به طور کلی در مورد خصوصیات تعریف، گفته شده است که تعریف حتی الامکان باید جامع و مانع باشد. تعریف این ماده، نه جامع است و نه مانع. جامع نیست از این جهت که تمام خصوصیات ذاتی و اساسی لازم برای یک اثر فکری را در بر ندارد، یعنی تعریف مزبور اولاً اوصاف اصلی و دقیق یک اثر فکری یا ذهنی را بیان نمی‌کند ثانیاً همه افراد را شامل نمی‌شود، در حالی که از یک تعریف کامل چنین انتظاری دور از ذهن نیست. از نظر حقوقدانان ایرانی تعریف اثر مذکور در ماده یک قانون فاقد وصف مانعیت نیست، زیرا این تعریف افرادی را در بر می‌گیرد که در عرف و در اصطلاح حقوقی به آن‌ها اثر اطلاق نمی‌گردد. به طور مثال تعریفی که از اثر در قانون به عمل آمده، اختراعات و اکتشافات را نیز شامل می‌گردد و حال آنکه با توجه به عنوان قانون و ضوابط مقرر در آن، روشن است که مقررات مزبور ناظر به تألیفات یا اکتشافات، چه از نظر خصوصیات و چه از نظر شرایط و مدت حمایت، با آفرینه‌های فکری تفاوت دارد. یک اثر فکری باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد تا بتوان آن را اثر فکری نامید و آن اثر را از حمایت‌های ملی و در صورت مساعد بودن شرایط از حمایت‌های بین‌المللی بهره‌مند ساخت. اصیل و ابتکاری بودن از خصایص اصلی و اساسی اثر فکری است. در حقوق ایران، اوصاف و خصوصیات و ابتکار اثر، در بوته اجمال و ابهام قرار دارد و روشن نیست در صورت بروز اختلاف در اصیل بودن یا نبودن اثر، چه مرجعی صلاحیت اظهار نظر دارد. برای آثار فکری می‌توان به طور کلی خصیصه‌های ابتکاری بودن، اصیل بودن و با کیفیت بودن را برشمرد. از دیدگاه حقوقدانان ایرانی، معیارهای تعیین این خصیصه متفاوت است. برخی از آن‌ها اثر پدید آمده را مظهر شخصیت آفریننده آن اثر می‌دانند و اگر اثر فکری دارای چنین وصف یا خصوصیتی باشد، به

عنوان یک اثر اصیل تلقی می‌شود و فرقی ندارد که اثر پدید آمده بدیع، نو و جدید باشد یا نباشد. (صفایی، ۱۳۷۵، ۷۳) معیار اصیل بودن از دیدگاه این حقوقدانان، شخصی بودن است. به این دلیل این امر را مرتبط با شخصیت می‌دانند که آن را برگرفته از فطرت پدیدآورنده قلمداد می‌کنند. عده‌ای دیگر از حقوقدانان ابتکار را معیار اصیل بودن آفرینه‌ای فکری می‌دانند و در تفسیر اصالت اثر، معتقدند وقتی پدیدآورنده در اثر و پدیده‌ی ذهنی از ابتکار خود بهره می‌برد، در حقیقت از استعداد و شخصیت خود چیزی به آن افزوده و یا به آن پیوند زده است. بنابراین پایه و اساس حمایت قانونی از آفرینه‌ی یک پدیدآورنده، ابتکاری است که در اثر استفاده نموده است. در جمع دو عقیده‌ای که از حقوقدانان بیان شد به نظر تناقض و اختلافی موجود نمی‌باشد زیرا بر اساس نظریات گروه اول شخصیت پدیدآورنده دلیلی بر منتسب نمودن ویژگی اصیل بودن به اثر است که در دیدگاه دوم ابتکاری بودن دلیل اصالت اثر است. در صورتی که نگاهی عمیق به این دو نظر داشته باشیم بدیهی است که ابتکار و نوآوری که باعث متفاوت شدن آثار از یکدیگر و تغییر در کیفیت آثار می‌شود در واقع برگرفته از ذهن و خلاقیتی فطری از نهاد خالق اثر است و فقط همان فرد قادر به خلق چنین اثری می‌باشد. با این تفاسیر می‌توان این گونه نتیجه گرفت که ابتکار در ذات شخصیت خالق است و همین که اثری نو خلق گردید برآمده از شخصیت خالق است و وجه تمایز آثار اقتباسی از آثار بدیع تقلید و اقتباس بدون هیچ تغییری است. با در نظر داشتن این معیار و اعمال آن روی آثار می‌توان آثار اصیل و بدیع را به راحتی از آثار اقتباسی متمایز ساخت. این نکته حائز اهمیت است که خالقان آثار، مجاز به الهام گرفتن از آثار دیگران می‌باشند و در صورت خلق این آثار، حق آن اثر به خود خالق تعلق دارد ولی اگر این الهام‌گیری منجر به تولید اثری نو نگردد و کاملاً مقلدانه باشد، در این شرایط نمی‌توان این اثر را اصیل دانست و از آن حمایت نمود. آفرینه‌های فکری دارای اقسام گوناگونی است و زمانی که به بررسی این آثار از قلم حقوقدانان می‌پردازیم مشاهده می‌گردد که اکثر حقوقدانان این تقسیم‌بندی‌ها را بر اساس قانون انجام داده‌اند اما شیوه‌های آن متفاوت است. به فرض، شماری از حقوقدانان به طور کلی آثار فکری را به چهار گروه اصلی آفرینه‌ی ادبی و هنری و آفرینه‌ی فنی و آفرینه‌ی هنری و موسیقایی و آفرینه‌ی فرعی (اشتقاقی) تقسیم می‌نمایند. (امامی، ۱۳۸۶، ۹۸) تفاوت‌هایی که از نظر شکل تقسیم آثار قابل مشاهده است، باعث ایجاد دوگانگی در انواع آثار نخواهد شد، زیرا همان طور که از ظاهر آن‌ها برداشت می‌شود، تقسیم‌بندی‌ها شکلی است. گروهی دیگر از حقوقدانان آثار

فکری مورد حمایت را در دو گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌نمایند. گروه اول از حیث موضوع که خود به چهار دسته تقسیم می‌گردد. اول آثار ادبی که به سه گروه آثار نوشته، آثار اقتباسی و آثار شفاهی تقسیم می‌شوند. گروه دوم شامل عناوین آثار می‌شود و گروه سوم که آثار هنری نام دارد که خود به دو گروه آثار موسیقایی و سایر گروه‌های هنری تقسیم می‌شود. دسته چهارم نیز شامل آثار رایانه‌ای است که به دو گروه نرم‌افزارها و پایگاه داده‌ها تقسیم می‌شوند و از حیث پدیدآورنده‌ها آثار پدیدآورنده‌ی واحد و آثار با پدیدآورنده‌ی متعدد تقسیم می‌گردند. (زرکلام، ۱۳۸۷، ۹۶-۵۵)

بخش سوم: نگاهی به حقوق مالکیت فکری در عرصه بین‌المللی

در عرصه ملی، دولت‌ها از طریق قانونگذاری در حوزه مالکیت‌های فکری و ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب در میان افراد جامعه اقدام به حمایت از حقوق پدیدآورندگان می‌نمایند، تا امکان بهره‌برداری غیرمجاز از آثار خالقان را کاهش داده و بدین وسیله زمینه‌های ایجاد انگیزه و اشتیاق برای پدیدآورندگان را فراهم کنند. در صورت دسترسی به اهداف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در عرصه داخلی، پدیدآورندگان آثار خود را با اطمینان خاطر به بازارهای داخلی عرضه می‌نمایند، بدین وسیله، مسیر پیشرفت را سریع‌تر طی می‌نمایند. در دنیای امروز علاوه بر حمایت داخلی از حقوق پدیدآورنده، در دنیایی که مدام با تحولات و پیشرفت‌های صنعتی و غیرصنعتی روبروست، ضرورت حمایت بین‌المللی و یا به عبارت شیواتر جهانی از آثار احساس می‌گردد. از این طریق میتوان از حقوق مادی و معنوی، ناشی آفرینه‌های فکری اتباع سایر کشورها حمایت کرد. تقریباً از تاریخ پیدایش صنعت چاپ و اختراع ماشین‌های چاپگر و به وجود آمدن حروف متحرک سربی، چاپ انبوه آثار نویسندگان، فلاسفه و اندیشمندان امکان‌پذیر و سهل گردیده و در نتیجه آثار فکری و کتب فراوانی به چاپ رسید و در اختیار عموم قرار گرفت. با افزایش تعداد افراد باسواد، تمایل افراد جامعه به مطالعه آثار خلق شده، رو به فزونی نهاد و به همین دلیل، زمینه پیدایش حقوق مالکیت فکری را فراهم ساخت. در واقع این امور، پایه‌گذار رشد فکری بشر گردید. این امر از ضروریات زندگی امروزی است که در سطح بین‌المللی جهت حفظ حقوق مالکیت فکری، چاره‌ای اندیشیده شود تا آثار خلق شده‌ی کشورها، در سراسر جهان مورد حمایت بین‌المللی قرار گیرد و در خارج از کشور متبوع خالق اثر، به طور غیرمجاز، اثر پدیدآمده، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگیرد. به همین علت کشورها اقدام به تاسیس معاهدات و موافقت‌نامه‌هایی نمودند که از

طریق عضویت در آن‌ها حقوق اتباع خود را تضمین نمایند. شماری از این معاهدات عبارتند از موافقت‌نامه تریپس، کنوانسیون برن، معاهدات وایپو، کنوانسیون رم و.... در هر یک از این معاهدات تعداد خاصی از حقوق پدیدآورندگان مورد حمایت‌های جهانی قرار می‌گیرد. همین‌طور اقدام به تأسیس سازمانی تخصصی نمودند به نام سازمان جهانی مالکیت فکری و از طریق انعقاد موافقت‌نامه تریپس و وارد شدن این موافقت‌نامه در شمار موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، اعضای این سازمان نیز متعهد به حمایت بین‌المللی از آثار خلق شده توسط کشورها شدند. به منظور هماهنگ کردن با معیارهای بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری، الزامات پیمودن این مسیر، لزوم آشنایی با حرکتهای بین‌المللی است. بدین وسیله می‌توان میزان رشد جامعه بین‌المللی را برآورد نمود. پس از آن می‌توان گام‌هایی مؤثر، منقش به تدابیر سیاسی و جامعه‌شناختی برداشت. گام‌هایی از قبیل پیوستن به معاهدات منعقد در این حوزه و یا حتی تأسیس معاهدات جدید. سیر تحول قواعد بین‌المللی حقوق پدیدآورنده نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی سعی دارد در عین تأمین حداکثر حقوق پدیدآورندگان آثار فکری، علمی، ادبی و هنری، بهره‌مندی تمام کشورهای جهان از دستاوردهای مادی و معنوی این گونه پدیده‌ها را که برای پیشرفت و توسعه ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ضروری و لازم است، تضمین نماید. با پرهیز از ارائه تعریفی ثابت از آثار علمی، ادبی و هنری و با اکتفا به ذکر تمثیلی مصادیق شایع این پدیده‌ها، امکان حمایت از تمام انواع جدید این گونه آفرینش‌های فکری فراهم شده است. با وضع اصل رفتار ملی، لزوم مساوات و پرهیز از تبعیض در رعایت از آثار خارجی مورد تأکید قرار گرفته است. ملاحظات در کنوانسیون‌ها وجود دارد که در آن نفع کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال با پیش‌بینی کردن حق شرط^۱ در برخی موارد و نیز وضع تدریجی و پیشرونده مقررات قابل توجه به نفع کشورهای در حای توسعه، زمینه الحاق آن‌ها به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق پدیدآورنده، بیش از پیش فراهم شده است. در بین معاهدات بین‌المللی مرتبط با مالکیت‌های فکری بعضی از آنها مختص مؤلفین بوده و معاهدات دیگر به طوری تدوین یافته‌اند که از سایر حقوق پدیدآورنده دفاع می‌کنند. لازم به ذکر است یکی از پل‌های ارتباطی کشورمان با امور بین‌المللی در شکل امروزی آن با کشورها، لزوم عضویت در یکی

^۱. Reservation

از معاهداتی است که به توضیح آن خواهیم پرداخت. در سایر عضویت در این معاهدات، آثار مؤلفی و هنرمندان و به عبارت شیواتر پدیدآوردگان ایرانی به عرصه‌های بین‌المللی معرفی می‌گردد. پل ارتباطی دیگر عضویت در سازمان جهانی تجارت است، زیرا با پیوستن به آن موافقت‌نامه‌های این سازمان هم متعهد می‌گردیم.

بخش چهارم: بررسی و شناخت جایگاه حقوق مالکیت فکری در کشورهای توسعه یافته

از ضروریات یافتن نقیصه‌های حقوقی در قوانین ملی، ابتدائاً، بررسی موضع کشورهای گوناگون در پیوستن به سازمان تجارت جهانی است. این کشورها، دارای نظام حقوقی خاصی مرتبط با مالکیت‌های فکری هستند و در سایه‌ی این نظام‌ها قادر بوده‌اند مراحل مختلف پیوستن به سازمان را از سرگذرانده و به عضویت آن در آیند. کشورهای توسعه یافته، فروشندگان و صادرکنندگان اصلی مالکیت معنوی می‌باشند. آن‌ها خواستار به دست آوردن ارزش افزوده برای تکنولوژی صادراتی خود بوده و به دنبال تامین و برقراری یک رژیم حمایتی از مالکیت معنوی در سراسر دنیا می‌باشند (Cochrane, 2001, 612). این کشورها به ایجاد سیستم‌های حمایتی در نظام‌های ملی خود، توجه داشته و عمدتاً در این مورد دارای نظام حقوقی پیشرفته و غنی هستند که در زمینه‌های گوناگون از جمله تولید، مصرف، واردات و صادرات انواع مصادیق مالکیت‌های معنوی، اختلافات و نحوه‌ی حل و فصل آن‌ها، مراجع حل و فصل اختلافات و.... حاوی مقرراتی دقیق، شفاف و منطبق با معیارهای بین‌المللی می‌باشند. البته با توجه به اینکه کشور‌های صنعتی به عنوان یک منبع در آمد، به توسعه و انتقال تکنولوژی متکی می‌باشند، کاملاً منطقی و معقول است که این کشورها در حمایت از مالکیت معنوی دارای منفعت زیادی بوده و به دنبال ایجاد رژیم‌های حمایتی باشند. آن‌ها معتقدند، فقدان حمایت لازم از مالکیت معنوی، منجر به سرقت تکنولوژی از کشورها، حتی کشور‌های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته نیز می‌گردد (Hockman, 2004, 277). از نظر آن‌ها حمایت گسترده از حقوق مالکیت معنوی حتی باعث رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور‌های در حال توسعه نیز می‌گردد. (رئیس، ۱۳۸۸، ۵۷-۵۶) سیستم حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی در حال حاضر به گونه‌ای است که در آن بیشتر نفع کشور‌های توسعه یافته تأمین می‌گردد و این امر ارتباط مستقیم با سیستم پیشرفته مالکیت فکری و سابقه‌ی طولانی مدت آن‌ها در وارد ساختن این سیستم به نظام‌های حقوقی‌شان دارد. سابقه‌ی قبول این سیستم در

کشورهای توسعه یافته و پیشرفته ی صنعتی بیش از سایر کشورها است. در آمریکا به دلیل آگاهی فزاینده از مزایای دفاع از حقوق مالکیت فکری، شرکت ها و مولفان آن سرزمین، سر انجام دولت را متقاعد کردند که در سال ۱۹۸۹ به عضویت کنوانسیون برن در آید. طبق برآوردها در سالی که موافقتنامه ی مربوط به مالکیت فکری امضا شد از قبل این موافقتنامه حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا کمک شد (مومنی، ۱۳۷۹، ۱۷۰؛ بزرگیو همکاران، ۱۳۸۵، ۱۴-۱۳) و به علت کاهش تعرفه ها، صدها هزار شغل اضافی از طریق افزایش تولید کالا نصیب اقتصاد آمریکا گردید. بهره وری اقتصادی کشورهای توسعه یافته از مالکیت های فکری غیرقابل انکار است و آمار جدید هم همین اطلاعات را تأیید می کنند. این منبع درآمدی در کنار سایر منابع، کشورهای توسعه یافته را تبدیل به مراکز تجمع ثروت نموده و آن ها را به قدری قدرتمند کرده است که حتی ابزارهای ضمانتی در سازمان تجارت جهانی هم یارای تضعیف نمودن آن ها را ندارد. در حال حاضر این کشورها به قدری قدرتمند شده اند که می توانند در ارکان مهم سازمان تجارت جهانی مثل دبیرخانه اعمال نفوذ نمایند و قدرت را به دست گیرند. دبیرخانه ی سازمان به وسیله ی اعضا و سایر عوامل موجود تحت فشار است و این امر باعث شده تا نقش منفعل و نه چندان برجسته ای در سازمان داشته باشد. با افزایش تعداد کشورهای عضو، دامنه ی موضوعات تحت پوشش و گستره ی قانونگذاری سازمان جهانی تجارت، رو به افزایش است و توجه عمومی به آن نیز بیشتر شده است. اعضای سازمان جهانی تجارت مخصوصا کشورهای در حال توسعه فعالیت کرده اند و مدعی هستند که سازمان تجارت جهانی باید بیش از گذشته پاسخگوی نیازهای توسعه ای آن ها باشد و خواستار شفافیت داخلی در مذاکرات و تصمیم گیری ها هستند. افزایش وظایف سازمان تجارت جهانی زمینه ی اعتراضات عمومی را برانگیخته است. این سازمان بیشتر حالت سیاسی به خود گرفته است. بزرگترین اعضای سازمان و مخصوصا ایالات متحده ی آمریکا احتمالا نسبت به ارزش و فایده یک دبیرخانه ی بزرگتر و مستقل تر مشکوک و مردد هستند. اگر دبیرخانه به اندازه کافی تامین مالی نشده است به خاطر آن است که کسانی که بودجه آن را تامین می کنند نمی خواهند شاهد بزرگتر شدن آن باشند. یکی از ارکان مهم سازمان ملل متحد که همان شورای امنیت باشد. دارای اعضای دائم و غیردائم. در حال حاضر قدرت در دست اعضای دائم سازمان ملل متحد است. به همین دلیل در مواجهه با وقایع بین المللی که به وقوع می پیوندد در صورتی که مواضع اعضای دائم و یا غیردائم هماهنگ با

اعضای دائم در معرض خطر قرار گیرد، قطعنامه‌های شورای امنیت به گونه‌ای به تصویب می‌رسند که همچنان سازمان بتواند حافظ موانع کشورهای عضو شورا باشد. حال در سازمان تجارت جهانی نیز این خطر وجود دارد که به سازمان ملل متحد از این نظر شباهت پیدا کند. اما خطر اینکه سازمان تجارت جهانی به سازمانی مثل سازمان ملل متحد تبدیل شود کمتر است و این به خاطر ماهیت فنی کار این سازمان است که در مذاکرات جاری آن شامل مذاکرات تنظیم امتیازات تعرفه ای و امتیازات مربوط به یارانه های کشاورزی، جزئیات تعهدات تجاری خدمات، نظارت بر اطلاع رسانی ها و تعهدات اعضا در کمیته های سازمان و رویه قضایی پیچیده ایجاد شده در نظام چند مرحله ای حل اختلاف سازمان، منعکس شده است. در هر حال دبیرخانه، مراقب منافع اعضای بزرگتر سازمان خواهد بود و این دقیقاً به خاطر اهمیت حمایت این اعضا از عملکرد کل نظام سازمان تجارت جهانی است. اگر ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا از سازمان عقب نشینی کنند، با وجود سایر اعضا، این سازمان با شکست مواجه خواهد شد (همان، ۲۷۲) زیرا آمریکا و اتحادیه اروپا سازمان را تحت پوشش حمایت مالی قرار می‌دهند، اما با تحت سلطه قرار دادن سازمان، حتماً نیازی به تصویب قانونی خاص یا مخدوش کردن یکی از ارکان نیست زیرا در زمان حاضر این کشور با سایر کشورها موافقت‌نامه‌های دو جانبه دارد. اگر تعداد این اقدامات دو جانبه در سطح بین‌الملل توسط قدرت‌های بزرگ ادامه پیدا کند، عملاً سازمان از دید این قدرت‌ها نادیده گرفته شده است.

بخش پنجم: تحلیل و تفسیر تأثیرات غیرمستقیم الحاق به سازمان تجارت جهانی در حوزه مالکیت‌های فکری

در حال حاضر کشورهای در حال توسعه میل و رغبت عجیبی برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی دارند. این امر ناشی از این می‌شود که آن‌ها توانایی تصور وضعیتی را می‌کنند که در عرصه‌ی بین‌الملل منزوی شد و سایر کشورهای عضو سازمان و یا کشورهایی که در رشد اقتصادی تأثیر زیادی دارند حاضر به برقراری روابط اقتصادی با آن‌ها نیستند. اگر به فرض مثال کشور ایران عضو سازمان نشود و مصمم به برقراری ارتباط با سایر کشورها باشد، در هر صورت، یکی از شرایط آن رعایت قوانین و مقررات حمایتی در حوزه مالکیت‌های فکری است یعنی همان قواعد موافقتنامه‌ی تریپس و متعاقب آن کنوانسیون‌های برن، رم و سایر کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق مجاور پدید آورنده. بنابراین با در نظر گرفتن این وضعیت می‌توان حدس زد زمانی که کشوری به طور غیرمستقیم آثار ناشی از حمایت‌های بین‌المللی

حقوق پدیدآورندگان را متحمل می‌شود، آن کشور باید در راستای عضویت در سازمان تلاش کند. در صورتی که کشور ایران به عنوان عضو دائمی سازمان پذیرفته شود از آنجایی که کشوری است دارای مصادیق بی‌شمار مالکیت‌های فکری، به دلیل ملحق شدن به سازمان علاوه بر حمایت‌های ملی از حمایت‌های بین‌المللی هم برخوردار می‌شود. لذا می‌توان قدرت انتخاب همتهای تجاری را در انعقاد قراردادها و موافقتنامه‌های تجاری، از مزایای الحاق به سازمان برای آن دانست. در این وضعیت می‌توان فقط با کشورهایی روابط تجاری برقرار نمود که سابقه‌ی خوبی در رعایت حقوق پدیدآورندگان دارند. شاید در این اثنا این نگرانی به وجود آید که در صورت الحاق، امکان بهره‌وری‌های غیرمجاز و سوء استفاده‌های تجاری برای سایر کشورها به وجود آید. این نگرانی نیز مبنایی ندارد زیرا کشور قادر است براساس مصالح عمومی و امنیت و منافع ملی، محدودیت‌هایی اجرا کند که البته لازم‌الاجرا هستند. دلایل زیادی برای ترجیح تخصیص قدرت در سطح بین‌المللی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به آنچه اقتصاددان‌ها از آن به عنوان «منافع هماهنگی» یاد می‌کنند اشاره کرد. این مفهوم وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن اگر هر یک از دولت‌ها بدون هماهنگی با یکدیگر در جهت منافع خود عمل کنند، نتایج آن می‌تواند برای همه مخرب باشد. اگر دولت‌ها برخی از محدودیت‌های حداقلی را بپذیرند، می‌توان از خطرات اقدام جداگانه اجتناب نمود. (ساترلند، ۱۳۸۶، ۶۰) از طرفی رکن استیناف سازمان تجارت جهانی می‌تواند در موارد مقتضی حامی حقوق کشورهایی باشند که با نقض حقوق پدیدآورندگان روبه‌رو هستند. رکن استیناف سازمان تجارت جهانی، اولین دعوای خود را در سال ۱۹۹۶ استماع و در مورد آن رای صادر نمود. این رکن تا یکم ژانویه‌ی سال ۲۰۰۵، ۶۱ دعوای استینافی را نسبت به گزارش‌های هیئت رسیدگی سازمان جهانی تجارت استماع و در مورد آن‌ها حکم صادر کرده است. رویه قضایی ایجاد شده توسط رکن استیناف در چند سال گذشته تاثیر گذار بوده است. (اکباتانی، ۱۳۸۸، ۸۴) به دلیل وجود چنین سابقه‌ای برای رکن استیناف سازمان تجارت جهانی می‌توان این اطمینان را حاصل نمود که در صورت بروز مشکل محلی برای حل قانونمند آن وجود دارد. البته نباید این مسئله را از نظر دور داشت که ایران یک کشور در حال توسعه است و به همین دلیل باید قابلیت‌های اجرایی احکام صادره را در نظر بگیرد و خود را تا حد امکان با این مسئله هماهنگ سازد.

کشورها این حداقل محدودیت‌های ناشی از عضویت در سازمان را پذیرفته‌اند و به همین دلیل تن به ایجاد هماهنگی‌های ناموزون در قالب روابط تجاری دو جانبه نمی‌دهند. کشور ایران در حال حاضر دارای سیاست‌گذاری‌های خاص اقتصادی در زمینه حقوق مالکیت فکری است. چالش‌ها فراوانی دارد و به حل این مشکلات اهتمام می‌ورزد. در صورت الحاق به سازمان آيا کشورمان ناچار به تعديل برخی از سطوح انحصارات داخلی خود در قالب قوانین و رویه‌های بین‌المللی می‌شود؟ آیا تحدید حاکمیت‌ها که بحثی دیرینه در حقوق بین‌الملل است، باعث نگرانی دولتمردان ایران نمی‌شود؟ رفاه جامعه می‌تواند جزء آثار مثبت الحاق به سازمان باشد یا آثار منفی الحاق به سازمان تجارت جهانی؟

عضویت در سازمان تجارت جهانی منجر به تحدید حاکمیت ایران نمی‌شود و کشورمان همچنان می‌تواند سیاست‌گذاری‌ها و محدودیت‌های منطقی خود را در روابط تجاری چند جانبه در حوزه مالکیت فکری با سایر متعاهدین ادامه دهد. از لوازم پیوستن به سازمان تجارت جهانی، شاید تحدید حاکمیت باشد زیرا در این صورت است که می‌توان از حمایت‌های بین‌المللی مقرر در موافقتنامه‌ی تریپس و سایر کنوانسیون‌ها بهره‌برد و مصادیق گوناگون مالکیت‌های فکری را به کشورهای دیگر صادر نمود و یا از سایر کشورها وارد نمود. دروازه‌ی اقتصادی دیگر کشورهای عضو هم در این شرایط به روی کشورمان باز می‌شود زیرا آن‌ها هم در برهه‌ای از زمان متقابلاً دست به تحدید حاکمیتشان زده‌اند. عضویت در سازمان برای کشورمان بسیار مفید است زیرا ایران مصادیق ناب و نادری از مالکیت‌های فکری را در دست دارد و می‌تواند با صادرات آن به خارج از کشور یا برقراری تسهیلات دیگر برای سایر کشورها منبع درآمد جدید و مناسبی را یافته و بر آن سرمایه‌گذاری کند و شاید بتوان در آینده، درآمدهای حاصل از روابط تجاری در حوزه مالکیت‌های فکری را جایگزین سایر منابع درآمدی نمود. البته ذکر این نکته خالی از لطف نمی‌باشد که جای بسیار از مصادیق مالکیت‌های فکری در قوانین ملی خالی است در صورت تکمیل این مصادیق می‌توان امیدوار بود که تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی متعهد به رعایت حقوق تمامی هنرمندان، مؤلفان و مصنفان هستند.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری مقاله حاضر باید گفت نظام حقوق مالکیت فکری در سطح بین الملل از پیچیدگی های خاص خود برخوردار است و دارای نظام منسجمی است. لازمه ای این انسجام، وجود معیارها، ضوابط و استانداردهای خاص است. به منظور عضویت در سازمان تجارت جهانی، می بایست فاصله ها و مغایرت های حقوقی با استانداردهای جهانی برطرف شود. سیستم حقوقی حاکم بر تریس «کپی اریت» است که بیشتر جنبه های اقتصادی و تجاری حقوق مالکیت فکری را در نظر گرفته بر این اساس یکی از معیارهای حداقل تریس، حقوق مورد حمایت است. این موافقتنامه حقوق مادی را بیشتر به رسمیت می شناسد و توجهی به حقوق معنوی ندارد، بنابراین این سند یک سند جامع و بدون ایراد نمی باشد و به منظور همه گیر شدن برای همه ای اعضا و یا کشورهایی که تقاضای عضویت در آن را دارند، نیاز به باز نگری و اصلاح دارد. این موافقتنامه به عنوان یک سند بین المللی حامی مالکیت معنوی سند ناقصی است. در ایران انواع حقوق مادی و معنوی به رسمیت شناخته می شود، اما بعضی حقوق مادی مثل حق تعقیب یا حق اجاره به طور کلی، مبنای حقوقی ندارد. تفاوت موجود بین سیستم های حقوقی کشورهای مصوب موافقتنامه ی تریس و ایران از موانع موجود بر سر عضویت در سازمان تجارت جهانی است. در این حوزه ضرورت اصلاح قوانین احساس می شود. در رابطه با موضوع مالکیت فکری در حقوق ایران نیز باید اذعان داشت هر چند عدم وجود ضمانت اجرای کافی مدنی و کیفری در قوانین موضوعه ی ایران از دلایل عدم جذب سرمایه های بین المللی در حوزه ی مالکیت های فکری است. علاوه بر این موارد دیگری باید مورد اصلاح قرار گیرد. به عنوان مثال تغییراتی در پروسه ی ثبتی شرکت های تجاری صورت پذیرد به طوری که، آن ها با لزوم هماهنگی اقتصادی با تجارت بین الملل را از اهداف خود قرار دهند و فعالیت های خود را محدود به حوزه داخل کشور ننمایند. وجود محاکم تخصصی حل اختلافات ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری ضروری به نظر می رسد. محاکمی با قضات متخصص و با ترتیبات خاص که مناسب شان و موقعیت پدید آورندگان باشد که در راستای دفاع از نقض حقوقشان به این محاکم مراجعت نمایند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ادیب، محمد حسین، ۱۳۸۰، ایران و سازمان تجارت جهانی بحران اقتصاد بازار و دموکراسی در ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات واژه.
- اسماعیلی، محسن، ۱۳۸۴، حمایت از مالکیت های ادبی و هنری و سیر تحول آن در حقوق ایران، شماره ۵۱-۵۰، مجله حقوقی دادگستری.
- الماسی، نجادعلی؛ حبیبی بهنام، ۱۳۸۶، بررسی تطبیقی حمایت از جلوه های فرهنگ عامه، شماره دوازده، مجله ی اندیشه های حقوق خصوصی.
- امامی، اسد الله، ۱۳۸۶، حقوق مالکیت معنوی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- بیان فر، علی؛ عماد خراسانی، نسرين دخت، ۱۳۸۷، حقوق نسخه برداری در آیینہ قضاوت، چاپ اول، تهران، انتشارات میلاد نور.
- پاکدامن، رضا، ۱۳۷۹، رفتار ویژه با کشور های در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری و پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵، آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در حوزه ی مالکیت ادبی و هنری، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- رازی، ابوالفتح، ۱۳۶۶، روض الجنان و روح الجنان، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- زر کلام، ستار، ۱۳۸۹، نقد پیش نویس لایحه ی قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط.
- زرکلام، ستار، ۱۳۸۷، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ساعد وکیل، امیر، ۱۳۸۸، حمایت از حقوق مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی و حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه جامع فقه اهل البیت، چاپ اول، تهران، انتشارات بیتا.

- شفیعی شکیب، مرتضی؛ حبیب، سعید، ۱۳۸۳، سخنرانی ها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان.

- شمس، عبدالمجید، ۱۳۸۲، حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

- صفایی، سید حسن، ۱۳۷۵، مقالاتی در باره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- صفایی، سید حسن، ۱۳۸۵، حقوق معنوی پدیدآورندگان نرم افزار های رایانه ای، مجله ی حقوق تطبیقی

- قصاع، محمد، ۱۳۸۳، ضرورت و تبعات توافقنامه ی کپی رایت، شماره ۸۶، مجله اطلاع رسانی و کتابداری.

- قصاع، محمد، ۱۳۸۵، قانون کپی رایت، چاپ اول، تهران، انتشارات تهران.

- کرمانی نژاد بادی، محمد، ۱۳۷۶، بررسی حقوق مادی مولف در حقوق ایران و کنوانسیون های بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

- کلمبه، کلود، ۱۳۸۵، اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه ی علیرضا محمد زاده وادقانی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- موسی زاده، رضا، ۱۳۸۴، سازمان های بین المللی، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.

- مهریزی، حمید، ۱۳۸۱، حقوق معنوی و متون مقدس، شماره ۸۵، آیین پژوهش،

(ب) منابع لاتین

Attaran A، ۲۰۰۴، How do patents and economic polices affect access to essential medicines in developing countries، Health affairs.

Bainsw.open، ۲۰۰۵ source and biotech Nat BiotechnolRights to health. Brief ۱۲.

Barbara، Cochrane Alexander، ۲۰۰۷، Lack of Access to HIV/AIDS Drugs in developing countries، :is there a violation of the international human

Bainbridgem, David, ۱۹۹۹ *Intellectual property*, ۴th ed, London, Pitman publishing

Biadgleng, E.T. & Tellez, V.M, ۲۰۰۸, *The changing Structure and Governance of Intellectual Property Enforcement* South Centre, Research papers.

Blakeney, Michael ۱۹۹۸, *Legal Aspects Of the Transfer of Technology to Developing Countries*, Oxford: Oxford University Press.

Callhan, Karla, ۱۹۹۹, *Copyright Law and University Issues*, Copyright England.

Das Bhagirathlal, ۱۹۹۸, *The WTO Agreement: Deficiencies. Imbalances*

Hockman, BERNARD, ۲۰۰۵, *making the Wto more supportive of development finance and Development*, march, p. ۱۴, ۱۸.

Hockman, Bernard & kostecki, michel, ۱۹۹۵, *The political Economy of the world Trading system From GATT to WTO*, oxford university press.

Maskus, keit, ۲۰۰۰, *Intellectual property Rights in the global Economy*, Washington Dc: Institute for International Economics.

Sell, Susan k, ۱۹۹۸, *power and ideas*, state of university of new York press.

Taylor, sally, ۱۹۹۶, *International book publishing an encyclopedia*, hoshino.uk: Cambridge university press.